



شماره : 16

نشریه علمی

بیت‌های عالی
ذکاء

الرابطة الثقافية الإسلامية العالمية

International Islamic Cultural Association

انجمن فرهنگی جهانی اسلامی

فصل برای دانشجویان

تاریخ: 2013/5/30

(صبر ایوبی)

اسم نبی خدا ایوب علیه السلام مقرون به صبر و شکیبایی می باشد، و مثالهای صبر ایوبی زیانزد عام و خاص شده است، یعنی شخصیت تاریخی ایوب علیه السلام به صفت صبر متصف گردیده است که درس مهمی برای تاریخ پروران می باشد، تا بدانند که تاریخ با جمال صفات معنوی مزین می گردد، و نه با زیبایی اندام و رخسار و طول و عرض جسم، زیرا **تاریخ در حقیقت مجموعه افکار و صفات متعالی مانند آگاهی، اراده، اختیار، انتخاب، ابداع، ایثار و عشق مطهر است که با سیر تکاملی زمان، از طریق انسان وجود خارجی پیدا می کند.** شرح حال کامل ایوب علیه السلام، خارج از گنجایش وقت این مجالس است، و فقط به جانب صبر و استقامت این نبی بر حق بعنوان نمونه و الگوی صابرين سریعاً اشاره می شود: نبی الله ایوب علیه السلام شخصیت برانزده بشریت می باشد که همه صفات مثبت و حسنه منجمله صبر و شکیبایی در وجود تاریخی اش به نمایش گذاشته شده است [أشد الناس بلاءً الأنبياء ثم الصالحون ثم الأمثل فالأمثل] (شدیدترین مردم در غم و اندوه و آزمایش پیامبران اند، پس از آنها صالحین و پس از آنها شریفتر و بهتر) (ابن ماجه و احمد و ترمذی) خداوند تبارک و تعالی ایوب علیه السلام را در زندگانی دنیوی از هر نگاه آسوده و فارغ البال نموده بود، و او نیز همیشه شاکر بود، حق تعالی وی را مورد امتحان و اختبار قرار داد، کشت وی تلف شد و مواشی مردند، فرزندانش جان سپردند بجز زوجه با وفا و غمگسارش، همه احباب و اقارب از وی دوری جستند، بیماری طاقت فرسا عاید حالش شد، ولی این نبی خدا همانگونه که در نعمت شاکر بود، در بلا و مصیبت نیز صابر ماند، رنج و اذیت و شماتت دشمنان از حد تجاوز نمود حتی دوستان هم بنای بدگوئی را نهاده و می گفتند ایوب یقیناً گناه شدیدی را مرتکب شده که به چنین عقوبت هولناک مبتلا گردیده است در این وقت ایوب علیه السلام دعا نمود، و به مجردیکه بدرگاه پروردگار خود لب به استغاثه گشود، دریای رحمت او تعالی به تلاطم آمد و به حضرت ایوب علیه السلام دو چند اولاد سابقش فرزند عطا فرمود از آب چشمه که از زمین برآمد بنوشید و غسل نمود، فوراً تندرست و سالم

شد و تمام آلام و امراض از بدن وی زایل گردید.

بر ایوب علیه السلام ابر رحمت بارید و برای تمام عابدین نصیحتی بیادگار ماند که هر گاه بنده نیکی در دنیا به مصیبتی گرفتار آید مانند این نبی خدا صبر و ثبات پیشه کند و فقط بحضور پروردگار خود فریاد کند و از او استعانت جوید، حق تعالی یقیناً به نظر رحمت و نوازش بسوی او خواهد نگرست و هر گاه انسان کسی را به چنین ابتلای شدید مبتلا بیند بگوید که وی نزد الله تعالی مبعوض است.

[وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَذِكْرَىٰ لِلْعَابِدِينَ] (ایوب را (یاد کن) بدان گاه که (بیماری او را از پای در آورده بود ، و در این وقت) پروردگار خود را به فریاد خواند (و عاجزانه گفت : پروردگارا !)

بیماری به من روی آورده است و تو مهربانترین مهربانانی (پس بدین بنده ضعیف رحم فرما) . دعای او را پذیرفتیم و بیماری وی را برطرف ساختیم ، و (به جای) اولاد (و اموالی که از دست داده بود) دو چندان بدو دادیم ، محض مرحمتمان (در حق ایوب) و تذکاري (از صبر و شکیبایی) برای پرستندگان (خداوند سبحان ، تا همچون ایوب شکیبا و امیدوار به لطف و فضل خدا باشند) . (الانبیاء - 83 - 84

چنانچه ذکر شد خداوند تبارک و تعالی به ایوب علیه السلام حکم نمود که پای خود را بر زمین بزند، به مجرد امتثال امر الهی فوراً بقدرت الله متعال چشمه آب از آنجا برآمد، از آن نوشید و در آن غسل کرد تا سبب شفای او گردید: [اَرْكُضْ يَرْجُلِكَ هَذَا مُغْتَسِلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ] ((به فریادش رسیدیم و او را ندا در

دادیم که) پای خود را به زمین بکوب . (هنگامی که چنین کرد چشمه آبی برجوشید . بدو پیام دادیم:) این ، آبی است که هم برای شستشوی (تنت مفید) است و هم برای نوشیدن (گوارا و سودمند) است . (ص - 42

چون مسلمان در مسیر تعهدش به مصائب و آلام دچار گردد نقض تعهد در وی راه نمی یابد، بلکه به میثاق خویش پایبندی بیشتر داشته، از خدای یکتا استعانت می جوید و مسیرش را توأم با ثبات و استقامت ادامه میدهد، در آنصورت دیر یا زود کفالت و اعانت الهی فرا می رسد.

سنت ابتلای ایوب علیه السلام درسی است برای همه بیماران و مصیبت زدگان، و طوریکه معلوم است هجده سال بیماری و مصیبت را با صبر و شکیبایی سپری نمود تا حدی که هر قریب و بعید (بجز خانم با وفایش) از وی گسیختند.

ابتلاء دو نوع است، یکی ابتلای عام و دیگری ابتلای خاص، ابتلای عام شامل همه مردم می شود و عبارت از (تکلیف ایمان) می باشد که همه بشریت مکلف به آن هستند، لذا خداوند جل جلاله برای

انسان حریت اراده و اختیار داده است ولی بالآخره مسئولیت این اراده و اختیار به خود انسان بر می گردد، [وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ يَتُوسُ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا] (بگو : حق (همان چیزی است که) از سوی پروردگارتان (آمده) است (و من آن را با خود آورده‌ام و برنامه من و همه مؤمنان است) پس هرکس که می‌خواهد (بدان) ایمان بیاورد و هرکس می‌خواهد (بدان) کافر شود . ما برای ستمگران آتشی را آماده کرده‌ایم که (از هر طرف ایشان را احاطه می‌کند و) سرپرده آن ، آنان را در بر می‌گیرد ، و اگر (در آن آتش سوزان) فریاد برآورند (که آب) ، با آبی همچون فلز گداخته به فریادشان رسند که چهره‌ها را بریان می‌کند ! چه بد نوشابه‌ای ! و چه زشت منزلی !) کهف- 29

اما ابتلای خاص مربوط بندگان مؤمن می شود و هر کسیکه دعوای ایمان کند در طول حیاتش به آزمایشات گوناگون مبتلا می گردد تا بدینوسیله فرقی و امتیازی میان خالص و مغشوش نهاده شود، تا بر طبق آن مجازات و مکافات گردند، [أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ] (آیا مردمان گمان برده‌اند همین که بگویند ایمان آورده‌ایم (و به یگانگی خدا و رسالت پیغمبر اقرار کرده‌ایم) به حال خود رها می‌شوند و ایشان (با تکالیف و وظائف و رنجها و سختی‌هایی که باید در راه آئین آسمانی تحمل کرد) آزمایش نمی‌گردند ؟ ! ما کسانی را که قبل از ایشان بوده‌اند (با انواع تکالیف و مشقّات و با اقسام نعمتها و محنتها) آزمایش کرده‌ایم ، آخر باید خدا بداند چه کسانی راست می‌گویند ، و چه کسانی دروغ می‌گویند .) العنکبوت- 2- 3

شخص مسلمان گرفتار مصایب و رنج های بزرگ و کوچک گردیده و مرتبه صبر و نیروی تحمل و استقامت وی تدقیق می شود، در آنصورت نباید ناسپاسی و ناشکری پیشه کند، بلکه راه صبر و ذکر و دعا را اختیار نماید تا مورد عنایت الهی قرار گیرد.

[وَلَيَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ] (و قطعاً شما را با برخی از (امور همچون) ترس و گرسنگی و زیان مالی و جانی و کمبود میوه‌ها ، آزمایش می‌کنیم ، و مژده بده به بردباران . آن کسانی که هنگامی که بلائی بدانان می‌رسد ، می‌گویند : ما از آن خدائیم و به سوی او باز می‌گردیم . آنان (همان بردباران با ایمانی هستند که)

الطاف و رحمت و احسان و مغفرت خدایشان شامل حال آنان می‌گردد ، و مسلماً ایشان راه‌یافتگان (به جاده حق و حقیقت و طریق خیر و سعادت) هستند . البقره- 155- 157

پس مومنان به مال و جان، طرف ابتلا قرار می‌گیرند، بیمار شدن، مجروح شدن، اسیر گشتن، جلای وطن، اتهامات دلخراش، تلف شدن مال، شهادت و غیره متاعب آمدنی است بر مومن متعهد است تا با علاج صبر و تقوی و اولوالعزمی آماده هر گونه فداکاری باشد. [لَتَبْلُوَنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ

وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ آتَوْا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيراً وَإِنْ تَصِيرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ] (به طور مسلّم از لحاظ مال و جان خود مورد آزمایش قرار می‌گیرید و حتماً از کسانی که

پیش از شما بدیشان کتاب داده شده است ، و از کسانی که کفر ورزیده‌اند ، اذیت و آزار فراوانی

می‌بینید) و اعمال ناشایستی و سخنان نابایستی می‌شنوید) و اگر (در برابر آزمایش مالی و

جان‌ی) بردباری کنید و (از آنچه باید پرهیز کرد) پرهیزید ، (کارهای شایسته همین است و) این

اموری است که باید بر انجام آنها عزم را جزم کرد و در اجرای آنها کوشید . آل عمران- 186

اهل خرد و خبره برآنند که هر گاه مجاهدان و مبارزان، با مشاکل و متاعب مواجه نشوند، در آنصورت

تجدید نظر کنند و تغییر مسیر دهند، زیرا به بیراهه رفته‌اند، و هر گاه کسی دعوای مبارزه را نماید،

برای اعتمادهای مطلوب به تاریخ و بیوگرافی اش مراجعه شود، که باید مراحل تکاملی و آزمایشی

مبارزه، مانند: هجرت، جهاد، زندان، و انواع مقاومت را پیموده باشد، و باید خاطر نشان ساخت که

تحصیل در یک رشته خاص، امری ممدوح است ولی در مبارزه معیار نمی‌باشد، زیرا مبارزه معلول علوم

تخصصی نیست، بلکه معلول ایدئولوژی می‌باشد و ایدئولوژی، ایمان آگاهانه داشتن به چگونه زیستن

و چگونه رفتن است، پس هر که بیشتر ایمان دارد بیشتر امتحان دارد، و ایمان آگاهانه قویترین نیرو

برای مواجهه قضایای زندگانی به شمار می‌رود.

باید دانست که ابتلای الهی حکمت های سودمندی برای مومن صابر دارد، از آنجمله می‌توان

(تحقیق عبودیت برای پروردگار عالمیان) را نام برد، زیرا هستند کسانی که بندگی حقیقی برای الله

جل جلاله را اختیار نمی‌کنند، بلکه اسیر کمند هوا و هوس‌اند، ظاهراً دعوای بندگی می‌کنند ولی

اگر در عبودیت رنج و زحمت حس کنند در آنصورت ترک بندگی می‌نمایند که بالاخره هم آخرت از

دست آنها می‌رود و هم بنابر بیان قرآن دنیاى این افراد مذبذب بر باد می‌شود: [وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْْبُدُ

اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ

الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ] (بعضی از مردم هم ، خدا را در حاشیه و کناره می‌پرستند) و دارای عقیده

سستی هستند . ایمانشان بر پایه مصالحشان استوار است ، و لذا) اگر خیر و خوبی بدیشان برسد ، به سبب آن شاد و آسوده خاطر و (بر دین) استوار و ماندگار می‌شوند ، و اگر بلا و مصیبتی بدیشان برسد ، (به سوی کفر برمی‌گردند و) عقب‌گرد می‌کنند . بدین ترتیب هم (آرامش ایمان به قضا و قدر و مدد و یاری خداوند را در) دنیا و هم (نعمت و سعادت) آخرت را از دست می‌دهند ، و مسلماً این زبان روشن و آشکاری است (که انسان هم دنیا و هم آخرتش بر باد فنا رود) . (الحج- 11

از حکمت های سودمند آزمایشات خداوند جل جلاله یکی هم (کفاره گناهان) می باشد [عن ابی هریره رضی الله عنه قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): ما يزال البلاء بالمؤمن و المؤمنة فی نفسه و ولده و ماله حتی یلقی الله تعالی و ما علیه خطیئة] (از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: مرد و زن مومن همیشه در جان و فرزند و مال خویش مورد آزمایش خداوند قرار می‌گیرد تا به خداوند پیوندد، در حالیکه گناهی ندارد.) (ترمذی)

[و عن انس رضی الله عنه قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: إذا أراد الله بعبد خیراً عَجَلَ له العقوبة فی الدنيا، و إذا أراد بعبد الشرّ أمسکَ عنه بذنبه حتی یؤافیَ به یوم القيامة، و قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم: إنَّ عِظَمَ الجزاءِ مع عِظَمَ البلاءِ ، و إنَّ الله تعالی إذا أَحَبَّ قومًا ابتلاهم، فمن رَضِيَ فلَهُ الرضا، و من سَخِطَ فلَهُ السُّخْطُ] (از انس رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر گاه خداوند به بنده اش اراده خیر نماید عذابی را در دنیا بر وی مسلط سازد و هر گاه بر بنده اش اراده شر کند عقوبت خود را از او باز دارد تا اینکه در قیامت او را به عذاب خویش گرفتار کند. آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: همانا پاداش بزرگ در برابر ابتلای بزرگ است و چون خداوند گروهی را دوست بدارد آنها را آزمایش می کند، و آنکه راضی شود به ابتلای خدا، خدا از او راضی می شود و هر که ناخشنود شود، خداوند از او ناخشنود می‌گردد.) (ترمذی)

در شرح حدیث شریف فوق چنین ذکر شده است که : مسلمان باید در برابر سختی ها مقاومت ورزد و بدان راضی باشد و یا اگر اهلیت رضا را ندارد بایست علی الأقل مقام صبر را داشته باشد و حکمت اینکه خداوند بندگان مخلصش را آزمون می کند این است که هر گاه ایشان را به حال خود گذارد تا از نعمات مادی بهره مند شوند چه بسا که محبت دنیا دل‌هایشان را بخود مجذوب سازد و با فرو رفتن در دنیای شهوات و آرزوها از خالق خویش غافل گردند، چنانکه این مصیبت دامنگیر غفلت زدگان و کفار شده است. از اینرو چون خداوند بخواهد بنده ای را بخود متوجه سازد او را آزمون می کند و به

مصیبت ها گرفتارش می سازد تا به حضرت او باز گردد و به بی ارزشی نعمات مادی پی برد. بدین ترتیب آنکه به قضای خداوندی راضی شود، خداوند بر حسناتش می افزاید و بر عکس آنکه در برابر این مقدرات خداوندی ابراز انزجار کند، خداوند از او انتقام می گیرد و بر او خشم می کند، چه با عمل خویش در واقع بر احکام خداوندی اعتراض می نماید.

از فوائد و حکمت های خداوندی در این زمینه (حصول اجر و رفعت درجات) را می توان نام برد [عن عائشة رضی الله عنها قالت: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): ما يُصِيبُ الْمُؤْمِنَ مِنْ شَوْكَةٍ فَمَا فَوْقَهَا إِلَّا رَفَعَهُ اللَّهُ بِهَا دَرَجَةً ، أَوْ حَطَّ عَنْهُ بِهَا خَطِيئَةً] (از عایشه رضی الله عنها روایت است که گفت: رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هیچ مومنی نیست که خاری بپایش می خلد یا بالاتر از آن مگر اینکه خداوند در برابر آن درجه اش را بالا می برد یا گناهانش را بخشیده و کم می کند). رواه مسلم
اختبار و آزمون الهی باعث تذکیر و یاد آوری گناهان می شود، زیرا وقتیکه انسان در بلا و محنت می افتد، فرصت یاد آوری ذنوب ماضیه میسر می گردد، و نیز تنبیه برای نزول مصائب در آینده است که این تذکیر و تنبیه باعث توبه و استغفار می شود [وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ] (آنچه از مصائب و بلا به شما می رسد ، به خاطر کارهایی است که خود کرده اید . تازه خداوند از بسیاری (از کارهای شما) گذشت می کند (که شما از آنها توبه نموده اید و یا با کارهای نیک آنها را از نامه اعمال زدوده و پاک کرده اید) . شوری- 30

شخص عاقل هنگام نزول مصائب چون : مرض ، قحط ، اسارت ، قتل ، تباهی مال و هلاکت اولاد و غیره که همه عذاب های دنیوی اند، فوراً هوشیار شده توبه و استغفار می نماید و میداند که اگر راه گناه را اختیار کند بالاخره موت فرا می رسد و عذاب عظیم آخرت عاید حالش می گردد. [وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ الْآخِرِ الَّذِي يَكْبُرُ لَكُمْ بِهِ الْعَذَابُ الْأُولَى الْأُولَى] (ما قطعاً عذاب نزدیک تر (دنیا) را پیش از عذاب بزرگ تر (آخرت) بدیشان می چشانیم ، شاید (از کفر و معاصی دست بکشند ، و به سوی خدا) برگردند . سجده- 21

چون انسان به مصیبتی گرفتار آید، به حقیقت دنیای چند روزه و بی ثبات پی می برد، پس لازم است که نسبت به زندگی دنیا، فکر آخرت را بیشتر داشته باشد، چه زندگی اصلی و دایمی فقط همان است، در لهو و لعب و گناه غرق نشود و عاقبت را فراموش نکند، بلکه توشه سفر آخرت را آماده نماید. [وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ] (زندگی این دنیا جز لهو و لعب نیست ، و زندگی سراي آخرت زندگی است ، اگر فهم و شعور داشته باشند .) چرا که به

دنبال زندگی جهان مرگ است ، ولی آخرت جاودانگی است) . (العنکبوت- 64

صدق ایمان هنگام مصائب و محن متجلی تر می شود، ولی ضعف ایمان با کمترین مشکل، بسوی تردد و سوء ظن نسبت به تقدیر فرا می خواند، و در شرایط عادی همه مردم در دعوای ایمان، مستوای یکسان دارند ولی آزمایشات و امتحانات، مومن حقیقت خواه را از منافق مصلحت جو تفکیک می نماید. و استمرار آسایش و حیاتِ راحت، عموماً آدمی را بسوی کبر و غرور و غفلت می کشاند، در آن هنگام نزولِ محنت در حقیقت رحمت است زیرا باعث عودت بسوی هدایت است و زمانیکه انسان در فقر بی کسی ها و تنگنای ضعف درماند، و همه اسباب بیرون رفت و آثار کبر و غرور و غفلت زایل گردد، در آنوقت مشقت های طاقت فرسای ناتوانی ها، عملاً وی را بسوی مولای یکتایش پناه گزین می سازد.

حکایت‌های خطیب



www.khetabat.com